

طرح تحول نظام بانکی؛ ضرورت‌ها و چالش‌ها

(مصاحبه با دکتر سید حمید پورمحمدی)

حمید زمان زاده *

وهاب قلیچ **



مقدمه

پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، طرح تحول نظام بانکی در دستور کار دولت و بانک مرکزی قرار گرفته و موجب ایجاد بحث‌های گسترده‌ای در محافل کارشناسی و دانشگاهی شده است. نظر به اهمیت این طرح برای نظام بانکی و اقتصاد کشور، مصاحبه‌ای با جناب آقای دکتر پورمحمدی، قائم‌مقام بانک مرکزی در خصوص روند پیگیری و تکمیل طرح تحول نظام بانکی صورت پذیرفت. در ادامه، متن مصاحبه از نظرتان می‌گذرد:

جناب آقای دکتر، ابتدا مقدمه‌ای در مورد تحولات نظام بانکی کشور و سیر شکل‌گیری آن ارائه بفرمایید.

در خصوص نظریه‌پردازی بانکداری اسلامی، شهید سید محمدباقر صدر که به نوعی می‌توان ایشان را پدر بانکداری اسلامی نامید، نقش بسیار بزرگی برعهده داشته‌اند. ایشان با نوشتن دو کتاب اقتصادنا و البنک لاربوی فی الاسلام، باعث پیشتازی نظری ایران و فقه شیعه در حوزه بانکداری اسلامی شدند. در حوزه عمل نیز این پیشتازی با تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ حفظ شد. البته قرار بود این قانون برای مدت پنج سال به طور آزمایشی اجرا شود. پس از تصویب این قانون و همچنین انتشار اوراق مشارکت، ما عملاً دیگر نوآوری و تحرک خاصی در زمینه بانکداری اسلامی نداشتیم

جناب آقای دکتر، ابتدا مقدمه‌ای در مورد تحولات نظام بانکی کشور و سیر شکل‌گیری آن ارائه بفرمایید.

* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه تهران.
 ** کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

مهم‌ترین اقدام در نظام بانکداری کشور پس از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا، تصویب قانون برنامه پنجم است

و تا زمان تصویب قانون برنامه پنجم در یک دوران رخوت به‌سر می‌بردیم. با تصویب قانون برنامه پنجم تغییر و تحول خوبی در این زمینه به وقوع پیوست. این برنامه به صراحت از تبعیت بانک مرکزی از قانون پولی و بانکی سخن به میان آورد. بسیاری از خلأها و مشکلات مقرراتی، تعیین نرخ سود سپرده‌ها، نظارت بانک مرکزی و قدرت بانک مرکزی در کنترل نظام بانکی، ارائه گزارش‌ها و آمار و حتی جریمه مؤسسات و بانک‌های منتخب، ساماندهی بازار غیرمتمثل پولی و تشکیل صندوق تضمین سپرده‌ها در این برنامه مورد توجه قرار گرفت. همچنین سه عقد مباحه، استصناع و خرید دین نیز در این برنامه مورد اشاره قرار گرفت. از این رو مهم‌ترین اقدام در نظام بانکداری کشور پس از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا، تصویب قانون برنامه پنجم است. از آنجا که این قانون پنجساله است، نیاز به قوانین بلندمدت برای نظام بانکداری به شدت احساس می‌شود.

در اوایل دولت آقای دکتر احمدی‌نژاد دو طرح، تحول رفتاری و تحول ساختاری نظام بانکی مطرح شد و پیشنهادی برای تحول و اصلاح رفتاری نظام بانکی ارائه شد. در تحول ساختاری نیز قرار بود کارهای جدی‌تری انجام شود؛ تیمی بدین منظور ایجاد شد که بنده هم در آن حضور داشتم. از آنجا که اصلاح ساختاری نیاز به یک مدل عملیاتی داشت، در این بخش اختلافاتی جدی بین کارشناسان به وجود آمد. عده‌ای این ایده را داشتند که بخشی از بانک‌ها صرفاً مخصوص قرض الحسنه شوند و بخشی دیگر از بانک‌ها توسعه‌ای باشند. این ایده از سوی بانکداران کشور و وزارت اقتصاد مقبول واقع نشد.

بنده در وزارت اقتصاد، طرح تحولی را با کمک همکاران آماده کرده بودم که با ورود من به بانک مرکزی به عنوان مشاور، این طرح تکمیل شد و توسط جناب آقای طهماسب مظاهری به دولت ارائه گردید و مورد تصویب کارگروه تحول اقتصادی قرار گرفت. طرح اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا در حوزه قانون، تفکیک عملیات بانک‌ها (نه خود بانک‌ها) به عملیات قرض‌الحسنه، تأمین مالی تجاری و تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای در حوزه ساختاری مورد توجه قرار گرفت. البته بعدها این طرح با مباحث بانکداری الکترونیکی و مباحث نظارت بر بانک‌ها تکمیل و تقویت شد.

سال گذشته نیز کارگروهی از مدیران بانک مرکزی و برخی از مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی و کارشناسان پژوهش‌گه پولی و بانکی، برای تحول نظام بانکی ایجاد گردید. با توجه به جامعیت کارشناسان و متخصصان این کارگروه و محورهایی که برای آن در نظر گرفته شد. اسم این طرح به طرح جامع تحول نظام بانکی تغییر یافت. البته با آن طرح قدیم منافات خاصی ندارد و به نوعی ارتباط آنها با یکدیگر، عموم و خصوص است. قانون عملیات بانکداری بدون ربا توسط آقای موسویان اصلاح و بازبینی شده و با قانون بانکداری که بانک مرکزی تنظیم نموده، ترکیب شد و قرار است جایگزین قانون فعلی شود.

در کارگروه فعلی، هشت محور برای تحول نظام بانکی طراحی شده است. در این برنامه، چشم‌انداز، رسالت و چالش‌ها تعریف شده است. همچنین اهداف و پروژه‌های هشت محور نیز تعریف شده است. این محورها شامل، اجرای صحیح بانکداری اسلامی، عدالت و رضایت اجتماعی، حمایت از تولید و اشتغال، سیاست‌گذاری پولی کارا جهت کنترل تورم، حمایت از بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش اثربخشی، کارایی و بهره‌وری نظام بانکی، تقویت نظارت در شبکه بانکی، تنوع بخشی به نهادها و ابزارها و توسعه بانکداری الکترونیک است.

جایگاه بانکداری مرکزی و سیاست‌گذاری پولی در طرح تحول نظام بانکی چیست و آیا ضرورتی برای تغییر در بانکداری مرکزی وجود دارد؟

اولاً وجود مقررات مختلف در خصوص بانک مرکزی نیاز به تجمیع داشت. ثانیاً از سال ۱۳۵۱ تحولات اساسی در مباحث نظری و اجرایی در بانکداری مرکزی در دنیا مانند ثبات مالی، ثبات قیمت‌ها، نظام ارزش پایه طلا، تدوین استانداردهای بین‌المللی، افزایش جایگاه استقلال بانک مرکزی، شفافیت عملکرد و پاسخگویی و مباحثی از این قبیل، صورت گرفته است. ثالثاً قانون پولی - بانکی در سال ۱۳۵۱ مصوب شد، اما قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و سازوکارهای آن مانند حذف بهره، بایستی با یکدیگر هماهنگ می‌شد. اینها از جمله ضرورت‌هایی است که نشان می‌داد باید قانون اصلاح شود.

اما در خصوص جایگاه بانک مرکزی باید معلوم شود جهت‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌های بانک مرکزی چیست؛ آیا هدف‌گذاری باید حفظ ارزش پول ملی باشد یا موضوع دیگر. همچنین موضوع شفافیت، پاسخگویی و استقلال بانک مرکزی نیز از جمله مقتضیات بانکداری

مرکزی امروزی است که باید در این قانون به آن توجه شود. چه میزان از ضعف‌ها و نارسایی‌های نظام بانکی کشور را ناشی از قانون بانکداری بدون ربا می‌دانید؟ آیا نیازی به بازبینی این قانون در طرح تحول نظام بانکی وجود دارد؟

ضعف‌ها و نارسایی‌ها هم از جانب قانون و هم از جهت اجرای آن است. مثلاً در قانون به برخی عقود که می‌تواند کمک زیادی به بانکداری کشور نماید، اشاره نشده است. از سوی دیگر تعدادی دیگر از عقود مانند مزارعه و مساقات در عمل کاربرد چندانی برای آنها وجود ندارد. غیر از قانون و مقررات، در زمینه دستورالعمل‌ها نیز دارای خلأ و ضعف هستیم. برخی از دستورالعمل‌ها قوی و جامع نیستند. غیر از این دو مورد ما در استانداردها و کنترل و نظارت بر استانداردها نیز خلأ و نقص داریم.

شبهاتی که اکنون بین برخی از متدینین وجود دارد، ناشی از اجرای قانون است نه خود قانون. در زمینه قانون شبهه شرعی نداریم و قوانین ما کاملاً از لحاظ مطابقت با شریعت صحیح می‌باشند، اما به علت عدم پاسخگویی عقود موجود به تمامی نیازهای مشتریان، کمبود ظرفیت‌ها و امکانات و همچنین عدم آگاهی مناسب برخی کارکنان و مشتریان از نحوه اجرایی شدن عقود، ممکن است در هنگام اجرایی شدن، عقود به سمت صوری شدن حرکت کنند و این امر شبهه ربوی بودن را ایجاد می‌کند. از این رو علاوه بر قانون، سازوکارها و عوامل اجرای قانون نیز نیازمند اصلاح و بهبود هستند.

مهم‌ترین چالش‌های تعیین نرخ سود بانکی در نظام بانکی چیست و آیا ضرورتی برای تغییر رویکرد فعلی تعیین نرخ سود بانکی در طرح تحول نظام بانکی وجود دارد؟

تجربه نشان داده که تعیین دستوری نرخ‌ها تنها هزینه برای ما به بار آورده و نتیجه مطلوبی را ایجاد نکرده است. به عقیده من آزادسازی، نتایج به مراتب بهتری فراهم می‌آورد. برای مثال بازار بین‌بانکی، نمونه جالبی است. بانک‌ها در بازار بین‌بانکی در خصوص مازادها و کسری‌های خود با یکدیگر بر اساس ضوابط شورای فقهی وارد مبادله می‌شوند. در اوایل شروع بازار بین‌بانکی، نرخ‌ها بعضاً به بالاتر از ۲۵ درصد می‌رسید، اما بعداً این نرخ‌ها خود به خود و به دور از تعیین دستوری، تعدیل شد و به متوسط حدود ۱۲ درصد رسید. از این رو تجربه نشان داد که آزادسازی باعث می‌شود نرخ‌ها کم‌کم به سمت میزان تعادلی واقعی خود میل کنند. همچنین تحقیقی در خصوص مبانی شرعی تعیین نرخ‌ها به حوزه علمیه سپرده شد که نتیجه آن

تجربه نشان داده که تعیین دستوری نرخ‌ها تنها هزینه برای ما به بار آورده و نتیجه مطلوبی ایجاد نکرده است

نشان داد تعیین دستوری نرخ‌ها نه تنها از منظر شرع پسندیده نیست، بلکه نهی نیز شده است. در واقع وظیفه حاکم تعیین چارچوب‌های مبادلات و تعیین نرخ‌هاست و تنها برای مواقع بسیار اضطراری می‌توان به تعیین دستوری اقدام نمود.

در برنامه پنجم، مبانی قانونی تعیین نرخ سود سپرده‌ها به نحوی که منافع سپرده‌گذاران حفظ و از زیان آنها جلوگیری شود، بیان شده است. بر اساس این قانون، شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های یکساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل، تعیین نماید. در واقع در شرایطی که نرخ تورم بیش از نرخ سود سپرده باشد، سپرده‌گذاران با زیان مواجه می‌شوند که این امر با عدالت نیز همخوانی ندارد. با توجه به این مبانی قانونی، تجربیات عملی و شرایط اقتصادی، به نظر می‌رسد که ما باید به سمت آزادی نرخ سود برویم. در غیر این صورت تعیین دستوری نرخ سود، علاوه بر زیان سپرده‌گذاران باعث می‌شود که بانک‌ها در رقابت با هم در پی یافتن راه‌های دورزدن قانون باشند و این هم باعث پیچیده شدن امر نظارت و هم باعث رشد قارچ گونه انواع تعاونی‌ها و صندوق‌ها می‌شود و علاوه بر تضعیف نظام بانکی، به گسترش بازارهای غیررسمی پول می‌انجامد. امیدواریم در طرح تحول به راه‌حل مناسبی در خصوص این مشکل برسیم.

مسئله دیگر، تفکیک عقود به عقود مبادله‌ای و مشارکتی است. من اساساً اعتقادی به تفکیک عقود به شکل مبادله‌ای و مشارکتی در نظام بانکی ندارم. شاید این تفکیک در زمان خاصی کاربرد داشته است، اما در شرایط فعلی کارایی خود را از دست داده و تبدیل به ضد خود شده است. ما باید ادبیات تفکیک عقود مبادله‌ای و مشارکتی را به طور کامل کنار بگذاریم و بانکداری را بر اساس منطق خودش استوار نماییم.

در این چارچوب بانک تحت عقود مختلف با نرخ معین، منابع مالی را با سررسیدهای مختلف به مردم وام می‌دهد. اما برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و پروژه‌های بزرگ، بانکداری سرمایه‌گذاری می‌تواند عملکرد بهتری ارائه دهد. در این رویکرد، بانک به عنوان واسطه مالی، بهترین موقعیت‌های سرمایه‌گذاری را تشخیص

شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های یکساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل، تعیین نماید

پول جمع می‌کنند و با آن بدهی مؤسسات و بنگاه‌های بدهکار را داده و بانک‌ها را از معوقات نجات می‌دهند و سپس این مؤسسات با مراجعه تدریجی به مؤسسات و بنگاه‌های مدیون، وجوه خود را بازپس می‌گیرند. بنابراین یکی از مواردی که در طرح تحول باید پی‌گیری شود، ایجاد مؤسسات مدیریت دارایی است. استفاده از عقد خرید دین نیز برای کاهش مطالبات معوق کاربرد دارد. در عین حال برای کاهش روند ایجاد بدهی‌های معوق، باید مشکلات اقتصادی حل شود و اقدامات نظارتی نیز تقویت گردد.

آیا نقش نظام بانکی کشور در فرایند تأمین مالی تولید، رضایت‌بخش است؟ راه‌های ارتقای نقش نظام بانکی در این حوزه چیست؟

در این زمینه با چند چالش روبه‌رو هستیم. اول اینکه امروزه حجم سنگینی از بار تأمین مالی تولید بر روی نظام بانکی است و بازار سرمایه نتوانسته است به جایگاه واقعی خود در تأمین مالی تولید برسد. دوم اینکه سازوکار فعلی نظام بانکی به عنوان مرجع اصلی تأمین مالی مناسب نمی‌باشد. مثلاً یک شعبه باید به مشتریان خرد قرض‌الحسنه پاسخگو باشد و در عین حال تجار بزرگ را تأمین مالی کند و خود نیز شریک تمامی پروژه‌های سرمایه‌گذاری گردد. این شیوه باعث می‌شود مشتری‌مداری صورت نگیرد، احکام شرعی رعایت نگردد، هزینه‌ها بالا برود و مطالبات معوق افزایش یابد. ما پس از ۲۸ سال تمرین قانون عملیات بانکی بدون ربا، به حدی از تجربه رسیدیم که بتوانیم عقود را آسیب‌شناسی کنیم و نواقص آنها را رفع کنیم و آنچه نیاز امروز مردم و بخش‌های تولید و اشتغال است را جوابگو باشیم. بر این اساس ساختارها در نظام بانکی تغییر خواهد کرد و در حوزه عملیات نیز عقود نقش بهتری را در تأمین مالی مردم و بنگاه‌ها ایفا می‌نمایند.

وضعیت تکریم مشتری، عدالت و رضایت اجتماعی را در نظام بانکی کشور چگونه می‌بینید و چه راهکارهایی برای بهبود آن در چارچوب طرح تحول نظام بانکی قابل طراحی است؟

می‌دهند و آن را به مردم معرفی می‌کند و مردم در آن پروژه با خرید اوراق مشارکت، به صورت واقعی مشارکت می‌کنند.

در مورد قرض‌الحسنه نیز نیازی نیست بانک‌ها خود مستقیماً عملیات قرض‌الحسنه را انجام دهند، زیرا بانک‌ها ماهیت تجاری دارند و وقتی یک عملیات غیرانتفاعی در کنار عملیات تجاری قرار می‌گیرد، ایجاد مشکل می‌شود. در قرض‌الحسنه مشتریان کثیری به مبالغ اندک نیاز دارند. از این رو لازم است که سازوکار قرض‌الحسنه از تارو پود بانک جدا شود و به عنوان یک مؤسسه زیرنظر بانک اما در شخصیت حقوقی جدا از بانک با صورت‌های مالی مستقل، بانک اطلاعاتی مستقل و نیز مدیر مستقل به فعالیت بپردازند. نکته مهم آن است که مصارف آنان دقیقاً به موارد قرض‌الحسنه اختصاص می‌یابد. در مجموع برای قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور برنامه آن است که اولاً بانک‌های قرض‌الحسنه تقویت شود، دوم آنکه مؤسسات و صندوق‌های قرض‌الحسنه غیربانکی ساماندهی شوند و سوم آنکه فعالیت‌های قرض‌الحسنه بانک‌های تجاری زیرنظر همان بانک از دیگر عملیات بانکی به طور کامل منفک شود.

راهکار کاهش بدهی‌های معوق در چارچوب طرح تحول نظام بانکی چیست؟

گاهی اوقات یک بانک دچار افزایش مطالبات معوق می‌شود و گاهی تمامی بانک‌ها به این مشکل برمی‌خورند. در وضعیت اول می‌توان استنباط نمود که مدیریت آن بانک خاص با مشکل مواجه است و باید روش مدیریت بانک اصلاح شود، اما در وضعیت دوم که کلیه بانک‌ها دچار مشکل می‌شوند، این استنباط به دست می‌آید که مشکل در سطح اقتصاد کلان است و نمی‌توان با یک اصلاح خرد و موردی ایراد را برطرف نمود. در اینجا نیاز به یک نگاه کلان برای بررسی این موضوع است که چرا مطالبات معوق کلیه بانک‌ها همزمان افزایش یافته است. مشکل ما در وضعیت فعلی از نوع وضعیت دوم است و ما چاره‌ای جز اصلاح امور اقتصاد کلان نداریم. مثلاً زمانی که نرخ تسهیلات در مقایسه با نرخ تورم پایین است، بسیاری از تسهیلات‌گیرندگان تمایلی برای بازپرداخت بدهی خود نخواهند داشت و خود به خود مطالبات معوق افزایش می‌یابد. در این شرایط با اعمال فشار به نظام بانکی یا با اتهام به مشتریان بانک به عنوان مفسد اقتصادی، مشکل حل نخواهد شد.

اما برای حل مشکل بدهی‌های معوق، پس از بروز بحران مالی جهانی، در دنیا نظام‌های بانکی برای حل این مسأله به سمت مؤسسات مدیریت دارایی رفتند. این مؤسسات با انتشار اوراق مالی،

بانکی تعیین نموده‌ایم که عبارت‌اند از:

- انطباق بیشتر با شریعت و ارزش‌های اسلامی و کسب جایگاه مناسب در بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی
- همگامی با برنامه‌های اقتصادی دولت
- پشتیبانی از فرایند رشد و توسعه
- افزایش دسترسی همه اقشار جامعه به خدمات مالی
- افزایش رقابت و کارآمدی
- تأمین سلامت و ثبات مالی با تأکید بر بهبود ساختار تنظیمی و نظارتی و تقویت معیارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی
- تأمین سودآوری و بهبود مستمر فضای کسب‌وکار
- تنوع‌بخشی به نهادها و ابزارهای مالی
- پیشروبودن در بهره‌گیری از دانش بانکی، فناوری‌های روز و روندهای بین‌المللی
- برخورداری از استحکام لازم در رویارویی با چالش‌ها و مواجهه‌شدن با آزادسازی مالی و جهانی‌شدن
- زمینه‌سازی جهت افزایش نقش بازار سرمایه در تخصیص منابع
- علاوه بر این طرح جامع تحول نظام بانکی با توجه به خطمشی‌هایی طراحی شده است که مجموعه این خطمشی‌ها عبارت‌اند از:
- پای‌بندی به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی - ایرانی
- حمایت از برنامه‌های اقتصادی دولت
- توانمندسازی نهادهای داخلی
- افزایش دستاوردهای نظام بانکی در سطح جهان
- ملاحظه اهداف اجتماعی در کنار اهداف صرفاً اقتصادی
- استقرار سازوکار بازار و مشتری‌مداری

در حال حاضر خیلی از موارد این طرح همچون طرح‌های مربوط به قرض‌الحسنه، ورود عقود جدید و تعیین دستورالعمل‌های آن، تضمین سپرده‌ها و تقویت سازوکارهای نظارتی در حال اجرایی شدن است. اما هنوز چشم‌انداز زمانی خاصی برای آن دیده نشده است. در مجموع من وضعیت فعلی را برای عملیاتی کردن و اجرای طرح مناسب می‌بینم و نگرانی خاصی وجود ندارد. بیشترین دغدغه ما در بخش اصلاح قوانین است که نیازمند دقت و ظرافت بالا و همکاری مجلس محترم است، اما بر اساس آنچه تاکنون حاصل شده است در مجموع چشم‌انداز بسیار خوبی برای این طرح وجود دارد.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

باید ادبیات تفکیک عقود مبادله‌ای و مشارکتی را کنار بگذاریم و بانکداری را بر اساس منطق خودش استوار نماییم

مقوله عدالت و رضایت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مواردی است که در طرح تحول نظام بانکی و به عنوان یک محور از هشت محور طرح مورد توجه قرار گرفته است. ما فعلاً آمار و اطلاعات دقیقی از میزان دسترسی اقشار ضعیف به خدمات بانکی نداریم. از این رو قدم اول این است که با یک مطالعه دقیق، میزان دسترسی اقشار مختلف مردم به تسهیلات بانکی در کشور مشخص شود. قدم دوم یکسری اقدامات اجرایی همچون ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه و جهت‌دهی منابع آنان به نیازهای افراد نیازمند، تقویت بانک‌های قرض‌الحسنه، ایجاد بانک‌های محلی و منطقه‌ای و تقویت خدمات‌دهی بانکی به مناطق دورافتاده، طراحی ابزارهای نوین تأمین مالی خرد، کمک و حمایت دولت با نرخ‌های ترجیحی برای برخی از تسهیلات اعطایی به گروه‌های خاص و ضعیف، توجه به ظرفیت‌های بزرگ وقف، خمس و زکات در کشور می‌باشد که ما در طرح تحول نظام بانکی نگاه ویژه‌ای به این مقوله داشته‌ایم.

افق زمانی طرح تحول نظام بانکی و چشم‌انداز آن را چطور ارزیابی می‌نمایید؟

هدف طرح تحول نظام بانکی این است که نظام بانکی کشور پس از اجرای این طرح، مجموعه‌ای از شرایط مثبت را داشته باشد که این شرایط عبارت‌اند از:

- انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی
- برخورداری از ثبات و سلامت مالی
- دارای زیرساخت‌های مستحکم و رقابت‌پذیر، شفافیت بالا در سیاستگذاری، نظارت و عملیات بانکی مطابق با استانداردهای جهانی
- برخورداری از تنوع نهادها و ابزارها و همچنین کارآمدی و سهولت در رفع نیازهای مالی عموم جامعه
- کمک‌کننده به توسعه مبتنی بر عدالت و اعتلای هر چه بیشتر تولید و اشتغال بخش‌های اقتصادی
- برخورداری از پویایی و همگام‌بودن با فناوری‌های جدید و دارای تعامل سازنده با نظام‌های پولی و بانکی سایر کشورها
- همچنین یکسری رسالت‌هایی برای طرح تحول جامع نظام